

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۰۸

پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

بی طرفی دائمی افغانستان

رساله تحقیقی

قسمت ششم



د پاڼو شمېره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

نقشه سویتزرلند



Note: The cover page image and the map of Afghanistan and ethnical map of Switzerland are borrowed from Google.com. Thanks Google.

یادداشت: تصویر جلد کتاب، نقشه افغانستان و نقشه اتنیکی کشور سویتزرلند از گوگل دات کام عاریه شده اند. تشکر گوگل.

تاریخ مختصر «بی طرفی» افغانستان

«اگر رهبران افغان دیپلماتهای ماهر و سلحشوران دلیر نمی بودند، دامنه افغانستان مستقل خیلی سابق برچیده میشد»^[۱]. بدون اینکه اینجا بر تاریخ غنامند باستان افغانستان توقف کنم، لازم است الکسندر کبیر را بیاد آریم که با داشتن نیرومندترین ماشین پیشرفته نظامی خود بزرگترین امپراتوری عصر خود را ایجاد کرده بود ولی با چه سرنوشتی در این کشور مواجه شد. «فرانک ل. هولت *Frank L. Holt*» در کتاب خود در چاپ اول سال ۲۰۰۵ و چاپ دوم سال ۲۰۱۲ «در سرزمین استخوانها: الکسندر کبیر در افغانستان *Into the Land of Bones; Alexander the Great in Afghanistan*» می نویسد: «سرگذشت الکسندر کبیر که از ازمه های خیلی باستان تا کنون در این کشور طنین انداز است حاکی از آنست که عزم امریکا در آن سرزمین رنج انگیز به سختی در بوتۀ آزمون قرار خواهد گرفت، هفده سال سپری شد، ولی جنگ تا کنون پایان نیافته است.» پروفیسر هولت لشکر کشی الکسندر به افغانستان، و جنگهای اول و دوم انگلو - افغان طی سالهای ۱۸۳۸ و ۱۸۷۸م، جنگ شوروی طی سالیان ۱۹۷۹

¹ - Cronin, A.K. A Sustainable Approach to Afghanistan: Neutralization. Chapter 13, p. 375. Sustainable Security: Rethinking American National Security Strategy; Oxford University Press: 407 pages. December 2016.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنۍ د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

– ۱۹۸۹م و ایالات متحده امریا از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷، را با هم مقایسه کرده و شباهت های محیر العقولی از اعمال تجاوزگران و شباهت عکس العمل مردم افغانستان را در برابر متجاوزین به تصویر می کشد.^[۲]

الکسندر در سال ۳۳۱ ق.م. امپراتوری هخامنشی داریوش سوم را در «گنگه میله Gaugamela» در مجاورت شهر ضحاک در (کردستان عراقی – مترجم) مغلوب کرد، بعد در صدد گرفتاری دو جنرال داریوش سوم، «بیسس Bessus» و «ستی برزینس Satibarzanes» شد و سلسله تعقیب این دو جنرال پای الکسندر را در سال ۳۲۵ ق.م. بطرف باکتريا – (افغانستان) کشانید. اگر الکسندر توانست طی دو سال، بشمول مصر، تمام شرق میانه را بصورت برق آسا تسخیر نماید ولی در برابر جنگ با اقوام باختری سه سال پی در پی در گیر ماند. جنگ طولانی با این اقوام، لشکر شکست ناپذیر الکسندر را یکسره خسته و بی رمق ساخت و حتی شخص الکسندر را بی نهایت عاجز و شکست خورده ساخت تا حدیکه بقول روایات، الکسندر در این جنگ ها عقل خود را از دست داد. طی این مدت الکسندر نزدیکترین دوست و معاون خود «فیلوتس Philotas» را به ظن دسیسه به قتل رساند و این قتل الکسندر را وادار ساخت تا دست به قتل یک تن دیگر یعنی کشتن جنرال بی نهایت متجرب و وفادارش «پرمین Parmenion» پدر فیلوتس بزند. جالب اینکه الکسندر شخصاً عزیز ترین رفیق خود را که حیاتش را در جنگ کنار دریای «گرانیکس Granicus River» این دریا در شهر چناق قلعه ترکیه معاصر واقع است – مترجم» در سال ۳۳۴ ق.م. نجات داده بود به قتل رساند. این جنگ در محلی نزدیک به مخروبه های «تروی Troy – اناتولیة معاصر در ترکیه» زمانی بوقوع پیوست که یکی از شهزادگان فارسی با زدن ضربه تیر به کلاه زرهی الکسندر، وی را مدهوش ساخت و شهزاده دیگر فارسی که در عقب امپراتور بود میخواست از عقب بالای الکسندر حمله برد و سرش را از تنه اش جدا سازد که ناگهان سرباز جان فدا و شجاعش «کلیتس Cleitus» در یک چشم به هم زدن دست دراز شده مهاجم مسلح را از بیخ قطع نمود و الکسندر تا این دم در اثر ضربه وارده از فرط ضربه گیج بود و پس پسکی به عقب میرفت.

بعد از اینکه الکسندر در مصر در «اورکل oracle» «الهام گرفت» که «نعوذ بالله من ذلك م» «مرتبه خدایی دارد» متواتر علائم «کج پنداری یا پارانویا»، توهم و تصور باطل را بخصوص طی لشکر کشی در باختریا «افغانستان» از خود متظاهر می ساخت. یکی از جنرالهای بزرگ و وریت «جانشین» الکسندر «پلوتارک Plutarch» محاجه «استدلال» کنان می گوید، «الکسندر کسی نبود که خسته و کسل گردد و یا از سپهسالاری و تسلیح لشکریان خود دست بکشد، شهر ها را محاصر میکرد، به دنبال سرکوبی شورش های مردم میرفت، طغیانگران را فراری می ساخت و آشوب ها را منکوب؛ بدنبال سرداران خائن باکترا «بلخ»، مَرکنده «Maracanda» (یعنی مزار) و سغدیان «سمرقند» چنان در تکاپو بود که تو گویی سر های «هیدرا hydra» – مار نهه سر در اساطیر یونانی – م» را قطع کرده برود ولی این سر ها دو باره با کلفتی دوچند دوباره می روئیدند.»^[۳] طرز برخورد بزرگوارانه و متمدن الکسندر در رویارویی و تقابل با انبوه عظیم مشکلات، یکسره معدوم شد و جای آنرا ناکامی، غضب و کینه توزی گرفت و این حالت باعث شد که وی دست به جنایات جنگی بزند، و کودکان، زنان و پیران را بدون تفاوت یکسره سر برید و در بعضی حالت دست به نسل کشی یا جنوساید زد. الکسندر نمی توانست شکست خود را از دست «بربران وحشی» در سرزمین های بی نوا و متروک افغانستان تحمل کند. معهذ، از الکسندر در روز های اخیر لشکر کشی اش در این کشور روایت شده است که گفته است: «من در سرزمین شیران و دلیرمردان چنان گیر مانده ام که هر قدم آن همچون چاه پولادین است و جلو سربازانم را گرفته است. شما «یونانیان» تنها یک فرزند به این دنیا آورده اید ولی در این سرزمین هر فرد آن خود را الکسندر خطاب میکند.»^[۴]

فرانکل. هولت در کتاب خود... «الکسندر کبیر در افغانستان» می پذیرد که... «جنگهای تحمیل شده در افغانستان... مانند جنگهای الکسندر، برتانویها، اتحاد شوروی و حالا ایالات متحده امریکا چنان علائم بارز و برجسته دارند که شگون آن در آینده خوب نه خواهد بود.»^[۵] نامبرده استدلال کنان می گوید: باوجودیکه دامنه این تجاوزات در اوائل

² - Holt, F.L. Into the Land of Bones; Alexander the Great in Afghanistan. University of California Press Ltd. ; Berkeley, Los Angeles, London: p. XV. 2005-6 and 2012 by The Regents of University of California.

³ - Plutarch: Symposiacs, in The Complete works of Plutarch: essays and miscellaneous. Crowell Pub. New York Vol-VI, 1909.

⁴ - Historiae Alexandri Magni (Histories of Alexander the Great) Book by Quintus Curtius Rufus, 2005.

⁵ - Holt, Frank L. Into the Land of Bones, Alexander The Great In Afghanistan. Forward by Peter Green; University of California Press; Berkley, Los Angeles, London: pp. 18-19. 2012.

خوب پیش می‌رود ولی «هیچ ابر قدرتی نه توانسته است تا تبدیل عملی و انجام شدنی ای را دریابد تا بتوان آنرا نسخه در مانگر به فرو ریخته ها در افغانستان قلمداد کرد.

تخمین زمان و منابع برای تسخیر و کنترل منطقه

۱. تمام تخمین ها را دوچند ساختن

۲. تکرار نظر به ضرورت

پروفسور هولت به دوام استدلال خود افزوده می‌گوید «... زمانیکه پای شان در باتلاق گیر آمد و به حالتی رسیدند که دگر بُردی ندارند، کوشش نموده اند تا تلفات شانرا از طریق یکی از دوی ستراتیژی خروجی ذیل متوقف سازند:

۱. عقب نشینی توأم با تلفات سرسام آور، درست همان کاری را که «الکسندر – نویسنده»، برتانوی ها و شوری ها کردند

۲. جابجا ساختن دائم العمر لشکر اشغالگر در منطقه، همچنانیکه الکسندر کرد.

پروفسور هولت به ادامه در جای دگر کتابش می افزاید، «امروز ما در جایی قرار داریم ... که شورویها در سال ۱۹۸۰م، برتانوی ها در سال ۱۸۳۹م و ۱۸۷۹ م و یونانیان و مقدونیان در ۳۲۹ ق.م قرار داشتند.» جالب اینکه موصوف در جای دیگر اضافه میکند که روسها با توجه به تجارب جمع آوری شده ۳۰۰ ساله شان... شورویها «... برای اشغال مؤفقانه قلمرو های مسلمانان و سرکوبی مقاومت محلی پیش شرط های ذیل را منحصراً صریحاً معین ساخته بودند:

۱. انزوای مؤثرانه منطقه

۲. از بین بردن رهبری محلی و بخصوص از بین بردن توانایی شان در بدست آوردن اتحاد و اتفاق

۳. نابودی حمایت مردمی بخاطر جلوگیری از هر گونه مقاومت، از طریق انهدام زیربنا های محلی، اجتماعی و اقتصادی.^[۶]»

الکسندر در سال ۲۸۷ ق.م به سن سی و شش « شاید ۳۳ » سالگی خسته و بی رمق شده بود، از فرط دیوانگی اعتماد خود را بالای خود «مقدونی ها و یونانی های» از دست داده بود، وی دامنه عقب نشینی را از طریق بازگشت از راه ساحل بلوچستان و فارس کوتاه ساخت و به بابلون رسید و مرگش به لشکر کشی ویرانگر و مردم آزارش نقطه پایان گذاشت.

الکسندر کبیر که دیگر دلمرده و خسته شده بود میخواست به مأمون خود مقدونیه برگردد. در قصر « نبوکد نزر دوم بحری خود «Nebuchadnezzar II» در بابلون بود که آمادگی برای بازگشت بوطن را می گرفت، وی با آدمیرال نیروی بحری خود «Nearchus» سرگرم صحبت بود و می گفت چطور میتوان افریقا و آسیا را در یک تمدن کثیرالنژاد و کثیر فرهنگ باهم مدغم ساخت. طبق روایت «دایا دورس Diadorus» الکسندر بعد از نوشیدن مشروب غیر مخلوط مریض شد تا حدیکه از سخن گفتن بازماند. سربازانش بلادرنگ در باره مرگش متوحش شدند، بنا براین برایشان اجازه داده شد تا در یک قطار ایستاده شوند و یکایک از پیش روی وی بگذرند و الکسندر خموشانه به آنان دست و داع بالا میکرد.

پایان قسمت ششم

[بی طرفی دائمی افغانستان- قسمت پنجم](#)

⁶ - Ditto. Holt, Frank, L. p. 106. 2012